

## بررسی گونه‌شناختی جنگ‌نامه‌ی مآذون قشقایی

دکتر مینا مساعد

دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز

minamosaed@yahoo.com

### چکیده

شاهنامه‌ی فردوسی بر فرهنگ و ادب ایرانی، اعم از کتبی و شفاهی، تأثیر به‌سزایی داشت. یکی از تأثیرات آن بر فرهنگ و ادب شفاهی شکل‌گیری گونه‌ای از منظومه‌ها با نام جنگ‌نامه است. برخی از نظریه‌پردازان این گونه اشعار را زیرمجموعه ادب حماسی می‌دانند در حالی که برخی از مؤلفه‌های اساسی حماسه را دارا نیستند. در این پژوهش به بررسی سبکی و گونه‌شناختی یکی از این منظومه‌ها یعنی جنگ‌نامه‌ی مآذون قشقایی پرداخته‌ام. بررسی‌ها نشان می‌دهد، این منظومه با وجود پیروی از شاهنامه و نوع ادبی حماسه از جهت سبک زبانی و ادبی، فاقد برخی مؤلفه‌های حماسی است. بنابراین نمی‌توان آن را زیر گونه‌ی ادبی حماسه دانست؛ بلکه بر اساس نظریه‌ی بیناگونه‌ای می‌توان آن را شبه‌حماسه دانست.

کلیدواژه‌ها: جنگ‌نامه، مآذون قشقایی، شبه‌حماسه.

### مقدمه

علاقه و گرایش به ثبت حماسی برخی نزاع‌ها و رخدادهای محلی و منطقه‌ای و درآوردن آن‌ها به شعر، از سوی نشان‌گر اهمیت این اتفاقات و جنگ‌ها در نزد مردمان آن منطقه، به‌ویژه صاحبان قدرت و مکتب و از سوی دیگر کوششی بوده است برای برتری دادن جایگاه تیره و طایفه خود نسبت به دیگران و اعتباربخشیدن به اشخاص سرشناس و قدرتمندان محلی که عمدتاً از خوانین و مالکان و زمین‌داران محلی بوده‌اند.

در این زمینه، شاعران محلی سرمشتقی مهم و بی‌نظیر پیش چشم خود داشته‌اند که خواندن داستان‌ها و انس با فضای حماسی و تاریخی‌اش از یک سو و جاذبه هنری مسحورکننده‌اش از سوی دیگر، کم‌ذوق‌ترین شاعران را نیز به سرودن و تأثیر گرفتن و تقلید از آن برمی‌انگیخته‌است تا به کمک انگیزش‌های مختلف قومی و مادی و هنری به سرودن جنگ‌نامه بپردازند. این الگوی بی‌جان‌شین، شاهنامه‌ی فردوسی است که بیش از هر کتابی در اعماق زندگی و فرهنگ مکتوب و شفاهی ایرانیان نفوذ کرده است. شاهنامه در ادوار مختلف با زندگی عامه مردم ایران عجین بوده و از محفل خواص تا منازل و محافل عوام، از مجمع درباریان و کاخ‌نشینان تا سیاه‌چادر کوچندگان و ایلیاتی‌ها همه‌جا حضور داشته است. نشانه‌هایی از توجه به شخصیت پهلوانان شاهنامه، به ویژه رستم، در قهوه‌خانه‌ها و زورخانه‌ها و در دیوار بناها و کاخ‌های عمومی و خصوصی و سردر حمام‌ها و احتمالاً بعضی کاروان‌سراها و اماکن دیگر امری آشکار است. وجود نقالان و شاهنامه‌خوانان و تألیف رستم‌نامه‌هایی به نثر فارسی و ترکی نیز گواه دیگری بر انس و خو گرفتن مردم اقوام مختلف با این اثر ادبی است. هم‌چنین بررسی نام‌های انسان‌ها و حتی اماکن در میان اقوام و جاهای گوناگون ایران نشان‌گر این است که توجه ویژه به شاهنامه، بر فرهنگ این مرز و بوم (به‌ویژه فرهنگ نام‌گذاری) تأثیر گذاشته است. روایت‌های اقوام گوناگون، ضرب‌المثل‌ها، داستان‌های عامیانه، آداب و رسوم از جمله عزاداری‌ها و جشن‌ها، سوگ‌سروده‌ها و موسیقی‌های محلی که رنگ و بوی حماسی دارند نیز این تأثیرگذاری را به‌خوبی نشان می‌دهد (برای آشنایی با وجوه مختلف این تأثیرات نک. جعفری‌قنواتی، ۱۳۹۶؛ درج در دانشنامه فرهنگ مردم ایران: ذیل شاهنامه‌خوانی). یکی از تأثیرات مهمی که شاهنامه بر ادب و فرهنگ عامه داشته است، سرایش جنگ‌نامه‌ها به سبک و سیاق شاهنامه بوده است. در این پژوهش یکی از جنگ‌نامه‌های محلی، تحت عنوان جنگ‌نامه‌ی مآذون قشقایی، معرفی و بررسی می‌شود و ضمن بررسی ویژگی‌های سبکی و هم‌چنین مؤلفه‌های حماسی در آن، به گونه‌ی ادبی آن پرداخته می‌شود.

## پیشینه

در معرفی، نقد و بررسی حماسه و آثار حماسی پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است که نیازی به ذکر آن‌ها نیست؛ اما درباره نوع ادبی جنگ‌نامه‌های محلی در ایران با توجه جست‌وجوی انجام شده، جز دو مقاله از جعفری (قنواتی) اساساً پژوهشی صورت نگرفته است؛ محمد جعفری (قنواتی) در مقاله‌هایی با عنوان «جنگ‌نامه‌سرایی در ایران» (۱۳۹۶) و «جنگ‌نامه نه حماسه» (۱۳۹۶) به نوع ادبی این آثار توجه کرده و ضمن بیان سابقه جنگ‌نامه‌سرایی در ایران، آن‌ها را حماسه نمی‌داند؛ بلکه عنوان «جنگ‌نامه» را برای چنین شعرهایی مناسب می‌داند. دو پایان‌نامه با عنوان «بررسی ویژگی‌های حماسی جنگ‌نامه کشم و جرون» به قلم محسن حیدری و «بررسی ویژگی‌های زبانی و ادبی کشم و جرون‌نامه» توسط عبدالله بجلی به نگارش درآمده است که در این دو پایان‌نامه نیز به اشاره به حماسی بودن این اثر اشاره شده و درباره نوع ادبی این اثر به تفصیل چیزی گفته نشده است. کتابی با نام *جنگ‌نامه و جنگ‌نامه‌سرایی در ادبیات فارسی* دری (۱۳۹۶) به قلم محمدامین ابتهج حاجتی در بامیان افغانستان منتشر شده است و همان‌گونه که از نامش پیداست به طور مشخص جنگ‌نامه‌های سروده شده در سرزمین افغانستان را بررسی کرده است. همچنین صفا (۱۳۹۲) در کتاب *حماسه‌سرایی در ایران* در قسمت حماسه‌های تاریخی تنها از دو جنگ‌نامه کشم و جرون یاد کرده است. میرجلال‌الدین کزازی (۱۳۸۸) نیز در کتاب *رؤیا، حماسه، اسطوره* حماسه‌های تاریخی را که جنگ‌نامه‌ها را در برمی‌گیرند، حماسه دروغین می‌داند. نگارنده این سطور نیز در پایان‌نامه‌ای با عنوان «تحلیل و بررسی جنگ‌نامه‌های محلی فارسی در ایران» به بررسی گونه ادبی ده جنگ‌نامه محلی فارسی در مناطق جنوبی ایران پرداخته است. همچنین در مقاله «کموترنامه یکی از جنگ‌نامه‌های شهر گناوه» و مقاله «جنگ‌نامه در چه گونه ادبی قرار می‌گیرد؟» نیز به معرفی و بررسی برخی از این جنگ‌نامه‌ها پرداخته است.

## زمینه پیدایش جنگ‌نامه

همان‌طور که گفته شد، شاهنامه فردوسی بر ادب و فرهنگ ایرانی تأثیر به‌سزایی داشت. یکی از تأثیرات شاهنامه بر فرهنگ ایرانیان، به‌وجود آمدن شاهنامه‌خوانی در محافل و مجالس گوناگون بود. شاهنامه‌خوانی در کنار گسترش تقویت زبان فارسی و تأثیرات روحی و روانی، بر شعر شاعران محلی نیز تأثیر گذاشت و موجب پیدایش گونه‌ای خاص از شعر با نام جنگ‌نامه شد (جعفری قنواتی، ۱۳۹۴: ۳۲۷)؛ خواندن شاهنامه با آهنگ و آوازی خاص را شاهنامه‌خوانی می‌گویند. در گذشته ای نه چندان دور هر طایفه، قبیله یا ایلی چند شاهنامه‌خوان ماهر و زبردست داشت که در مراسم خاصی چون عزاداری، جشن و به ویژه به هنگام درگیری شاهنامه را با صدای بلند می‌خواند. همچنین در اوقات فراغت و زمانی که همه بی‌کار بودند، برای مثال در شامگاه، مردم جایی گرد هم آمده و شاهنامه‌خوانی می‌کردند. در منطقه جنوب نیز از دیرباز تا کنون شاهنامه‌خوانی وجود داشته‌اند. اغلب شاهنامه‌خوانان، بسیاری از داستان‌های شاهنامه را از بر بوده و با سبک و زبان ویژه این شاعران ادبی کاملاً آشنا بودند؛ بنابراین در میان آن‌ها کسانی که استعداد سرایش شعر داشتند، جنگ‌های محلی و اتفاقاتی را که در هنگام جنگ رخ می‌داد به تقلید از سبک شاهنامه می‌سرودند؛ این گونه جنگ‌سروده‌ها «جنگ‌نامه» خوانده می‌شوند.

## تعریف جنگ‌نامه محلی

جنگ‌نامه‌های محلی، آثاری روایی در توصیف جنگ‌های محلی و منطقه‌ای هستند که به تقلید از شاهنامه و متأثر از سبک آن سروده شده‌اند؛ بیشتر این سروده‌ها در قالب مثنوی و در همان بحر متقارند و به‌ندرت بعضی از جنگ‌نامه‌ها در قالب قصیده نیز سروده شده‌اند. جنگ‌نامه‌های محلی سه گونه‌اند: الف) جنگ‌نامه‌هایی که با موضوع مبارزه علیه دشمنان بیگانه سروده شده‌اند؛ مانند جنگ‌نامه کشم (کشم) و جرون‌نامه که درباره جنگ سپاهیان ایران در زمان شاه عباس اول با متجاوزان پرتغالی در خلیج فارس، به رهبری حاکم فارس «الله وردی خان» است. ب) جنگ‌نامه‌های قومی و طایفه‌ای که نزاع و اختلافات میان طوایف مختلف یک منطقه را روایت می‌کنند. ج) جنگ‌نامه مردم یک طایفه یا ایل با حکومت مرکزی، مانند *جنگ‌نامه سمیرم* یا *شقایق‌نامه* در شرح جنگ خسروخان قشقای با حکومت وقت و *جنگ‌نامه بختیاری* درباره منازعات محلی و درگیری‌های محمدتقی‌خان

بختیاری با دولت مرکزی (جعفری‌قناتی، ۱۳۹۶: ۱۸۲-۱۸۳). سراینده‌ی این نوع جنگ‌نامه‌ها اغلب شاهنامه‌خوانان خوانین بوده‌اند؛ در برخی مناطق ایران و از جمله جنوب کشور، خان هر منطقه یک شاهنامه‌خوان داشته است و این شاهنامه‌خوان‌ها به علت انس و الفت زیادی که با شاهنامه فردوسی داشته‌اند، گاه در روایت جنگ‌های منطقه‌ای و طایفه‌ای خود نیز، شعرهایی به سبک شاهنامه می‌سروده‌اند. به نظر می‌رسد (به علت نوع زیست و بافت قومی و طایفه‌ای و هم‌جواری و برخورد با بیگانگان)، تعداد جنگ-نامه‌های محلی موجود در جنوب سرزمین ما بیشتر از مناطق دیگر کشور باشد.

### معرفی و خلاصه جنگ‌نامه‌ی مأذون

در سال‌های ۱۲۹۴ تا ۱۲۹۸ هجری-قمری میان بهادرخان قشقایی، ضابط خنج و توابع آن و حاجی رستم خان گراشی، بیگلربیگی لار و گراش جنگی رخ داده است. مأذون، شاعر قشقایی خود در آن جنگ حضور داشته و داستان آن را به سبک شاهنامه به نظم کشیده است که قسمتی از آغاز و بخشی از پایان این منظومه مفقود است (مأذون قشقایی، ۱۳۴۸: ۱۷۰).

کشاورزان منطقه «مز» از توابع خنج که از دادن مالیات به تنگ آمده بودند، در اعتراض به بهادر خان از دادن باج و مالیات سرباززدند. بهادرخان از شنیدن این موضوع برآشفته می‌شود و پس از مشورت با مشاورانش، دو سوار با نام بهمن و قهرمان به مز می‌فرستد. آنها کشت و کار را در آنجا تعطیل و کشاورزان را از کار بر روی زمین منع می‌کنند. اربابان لار در سرزمین آرد وقتی می‌بینند بهادر خان رعیت‌ها را از کار بر روی زمین بازداشته است، برای شکوه به نزد فتحعلی‌خان گراشی می‌روند و به او شکایت می‌برند. فتحعلی‌خان برای این که تا جای ممکن جنگی رخ ندهد در نامه‌ای اندرزوار از بهادر خان می‌خواهد که رعیت‌های سرزمین مز را از زراعت و کار بر روی زمین منع نکند؛ زیرا در این صورت آن‌ها قادر به پرداخت مالیات نیستند. پاسخ نامه چنین بود که افراد خاص شما که در منطقه آرد زمین‌هایشان داخل زمین ماست، از ما در این چند سال آزاری ندیدند و با این حال، اکنون نه محصولات مرا می‌دهند و نه خراج. حال نیز اگر خراج بدهند با آن‌ها کاری ندارم؛ اما در غیر این صورت جنگ می‌شود.

فتحعلی‌خان با خواندن نامه سخنانش را می‌پذیرد و سپس به فرزندش رستم که خان لار بود نامه می‌نویسد که در برابر ترکان قشقایی سرکشی نکند و از فرمان بهادرخان تبعیت کند؛ اما رستم با خواندن نامه پدرش، سخنان او را به تمسخر گرفته و می‌گوید اگر من چنین کاری را انجام دهم مورد سیرزش تمام مردم قرار می‌گیرم. بهادرخان به سوی خنج حرکت می‌کند و چون شیخ از آمدن بهادرخان باخبر می‌شود به استقبال او می‌رود. نهایت بهادرخان از طریق یکی از جنگ‌جویانش به رستم پیام فرستاد که یا خراج را پرداخت کنید یا آماده جنگ شوید. رستم نیز از دادن خراج امتناع می‌کند و با سپاهی فراوان آماده می‌شود. بهادر خان به رغم توصیه‌ی مشاورانش با همان تعداد اندک سپاه‌یانی که همراه با خود آورده بود بسنده می‌کند و می‌گوید اصل توکل به خداست نه تعداد سپاهیان. پس علی‌رغم میل باطنی خود به جنگ تحمیلی با خان لار تن می‌دهد و آن‌چنان ترکان به جنگ می‌پردازند که لاریان متحیر می‌مانند.

### بررسی مؤلفه‌های حماسی در جنگ‌نامه‌ی مأذون قشقایی

برای یک بررسی دقیق باید ابتدا به الزامات شعر حماسی اشاره کنیم. اگرچه بسیاری از پژوهشگران به برخی از این الزامات پرداخته‌اند اما از نظر نگارنده آنچه شفيعی و آیدنلو طرح کرده‌اند دقیق‌تر است.

از نظر شفيعی کدکنی (۱۳۷۲: ۹)، شعر حماسی باید زمینه‌های داستانی، پهلوانی، صبغه ملی و خرق عادت داشته باشد (شفيعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۹)، آیدنلو نیز با تأیید سخن او این چهار عنصر را از عناصر اصلی حماسه می‌داند و وجود زمینه‌ی اسطوره‌ای را نیز یکی از عناصر اصلی حماسه ذکر می‌کند (آیدنلو، ۱۳۸۸: ۲۴). در این‌جا به بررسی این مؤلفه‌ها در جنگ‌نامه‌ی مورد بحث پرداخته می‌شود:

### زمینه داستانی

راوی (مأذون) که خود در بطن ماجرا قرار دارد از زاویه سوم شخص وقایع را روایت کرده است و با همین زاویه دید، از خودش نام می‌برد؛ در آن‌جا که بهادرخان به مشاور و پهلوان خود معصوم می‌گوید با شیخ و مأذون جلسه‌ای تشکیل دهید:

هنرمند و سالار و دیهیم جوی  
بگفتا که بر خیمه شیخ رو  
به مأذون بگو رای تو روشن است  
ولی شیخ پرمکر و صاحب‌فن است  
پسندید از آن نامور گفت‌گوی  
یکی بزمگاهی بپرداز نو  
(بیت: ۱۰۲-۱۰۰)

در ادامه وقتی روایت می‌کند که خودش (مأذون) و شیخ و معصوم مجلس تشکیل می‌دهند، از آن دو و خودش با صفت «دانش‌پذیر» یاد می‌کند:

بیاوردش اندر سرای دبیر  
زیگانه مجلس برداختند  
نشستند با هم سه دانش‌پذیر  
جوابی مر آن نامه را ساختند  
(بیت: ۱۰۸-۱۰۷)

شاعر آن‌جا که می‌خواهد جنگ دو سپاه را توصیف کند در مقدمه‌ای پیش از آن به نوعی ساقی‌نامه می‌پردازد و در حین سرودن این ساقی‌نامه متناسب با موضوع به جنگ و ادوات جنگ و حال و هوای جنگ نیز اشاره دارد و پس از آن به ادامه روایت می‌پردازد:

بده ساقی آن باده شعله جوی  
نخواهم می و عارض لاله‌گون  
ز خون یلانم شراب آرزوست  
ز کحل‌الجواهر میاور به بزم  
ننالد ز بن مطرب و ساز چنگ  
صبحی که از جام دلکش زخم  
کزان گرم گردد سر جنگ جوی  
ببیم مرا در قدح جوی خون  
ز ران هژیران کباب آرزوست  
به چشمم بکش سرمه از گرد رزم  
خوشا ناله پیشتاب و تفنگ  
چو پروانه خود را به آتش زخم...  
(بیت ۴۷۸-۴۷۳)

این نوع ساقی‌نامه گویی در برخی از منظومه‌های دینی و پهلوانی و تاریخی نیز وجود دارد. یکی از ویژگی‌های این منظومه توصیفات دقیق است. شاعر به طور مستقیم و غیرمستقیم (از طریق گفتار و کردار هریک از شخصیت‌ها) به توصیف دقیق آن‌ها می‌پردازد: توصیف فتحعلی‌خان:

ز فتحعلی‌خان بگویم خبر  
بزرگ و خردمند و پرهیزگار  
ز دشتی برو تا به کرمان زمین  
بزرگیش از دانش و رای اوست  
ز گوهر ندارد هنرپیشه ننگ  
از آن خان با دانش و هوش و فر  
مهین بیگلربیگی ملک لار  
همه جمعی اوست زیر نگین  
نه میراث اجداد و آبای اوست  
که خیزد گل از خار و گوهر ز سنگ  
(ب ۳۲-۲۸)

توصیف فتحعلی‌خان از طریق گفتار و کردار او:

جهان‌دیده خان اندر آن انجمن  
بگفتا نخستین نشاید ستیز  
به خان بهادر فرستم پیام  
بزرگ است و گفتار من بشنود  
شما بازگردید اندر آرد  
هر آن‌کس به بیداد جنگ آورد  
چو بشنید ز ارباب لاری سخن  
برآرد ستیز از جهان رستخیز  
سزا آن‌چه باشد نویسم تمام  
همانا به بی‌دانشی نگرود  
بسازید نیکی به پاداش بد  
سرانجام بر نام ننگ آورد

بگیرد به پادافره کـردگار  
(بیت ۵۴-۴۸)

به پاداش بد بیند از روزگار

### توصیف شب و صور فلکی در آغاز جنگ:

نه خورشید پیدا نه تابنده ماه  
بپوشید رخسار گیتی به قیر  
رخ آسمان گشت پرآبله  
پر از خشم بر هم گشادند چهر  
نظاره‌کنان چون ستاره‌شمار  
به خون غرق چون کشتگان نبرد  
ز تیر شرارافکن مارتین  
به هم سود ناهید دست فسوس  
که شمشیر ترکان جنگی بین  
چو ترکان خونخواره در روز رزم  
(ص ۳۰۱-۲۹۱)

شبی تیره چون بخت لاری سیاه  
یکی دود برخاست آفاق گیر  
ببستند سیارگان سلسله  
ز هر گوشه بازیگران سپهر  
... میان شفق محو قدرت کردگار  
میان شفق ماه باریک و زرد  
شده شیر از بیم گردون نشین  
به جای غو طبل و آوای کوس  
به شیر فلک گفت شیر زمین  
به خون ریختن عزم مریخ جزم

توصیف بیرون آمدن رستم گراشی برای رفتن به جنگ ضمن اشاره به تمام فرهنگ‌های اسلامی برای آغاز سفر:

بیارند رخس نگون فال را  
بر او بفت کرده ز لعل و گهر  
بجنیبند آن لشکر بی حساب  
یکی خواند انا فتحنافنون  
یکی ان یکادش بنخواندی بلند  
که نصر من الله فتح قریب  
جهان باز آرایش نو گرفت  
(بیت ۵۲۱-۵۱۵)

بفرمود تا اسب اقبال را  
رکابش مرصع لجامش ز زر  
برآورد او پای اندر رکاب  
یکی کردش از زیر قرآن برون  
یکی ریخت بر روی مجمر سپند  
یکی بر درفشش ز خط داد زیب  
روان شد زمانه روارو گرفت

البته این بخش از توصیفات همه اغراق‌هایی است که مکرراً در آثار پهلوانی و جنگی آمده است و سراینده به تکرار مکررات پرداخته است.

در این داستان عنصر گفت‌وگو بر دیگر عناصر غالب است و شاعر برای روایت داستان خود از انواع گفت‌وگو بهره می‌برد. تا قبل از آغاز جنگ، به جز آن‌جا که بهادرخان مأموران خود را به لار فرستاده و کشاورزان آن‌جا را از زراعت منع می‌کند، اقدام مهم دیگری رخ نمی‌دهد؛ بلکه فقط به گفتگوی بین افراد می‌پردازد؛ نامه‌نگاری بین خوانین، نامه‌نگاری فتحعلی‌خان گراشی با پسرش، گفتگوهای مشاوره‌ای بهادرخان با اطرافیانش، گفتگوی مردم لار و گراش با فتحعلی‌خان و پند و اندرزهای خان گراش به مردم تحت سلطه‌اش و مفاخره و تحقیر دشمن از طریق رجزخوانی‌ها نمونه‌هایی از این گفت‌وگوها هستند که همگی موجب پیشبرد داستان و بیان‌گر چگونگی شخصیت افراد هستند. در این‌جا به نمونه‌هایی از این گفت‌وگوها اشاره می‌شود:

### گفت‌وگوی مردم با خود

همه در پناه گراشی رویم  
و یا بازگردان رعیت ز راه  
به نزد دلیران لاری چه‌اند؟  
نه یک حبه از جنس ای پاکزاد  
(بیت ۷-۱)

که ما اندرین بوم و بر نغنویم  
که از ما زر و سیم دیوان مخواه  
... همه فاش گویند ترکان که اند  
عبث مال دیوان نخواهند داد

### گفت‌وگوی راوی با خود:

چه دانی؟ مزن دم ز چون و چرا

بیندیش مأذون از این ماجرا

چه و چون نشاید به کار حکیم  
خدا را خطائی گرفتن خطاست  
تو به دانی ای داور ذوالمنن  
(بیت ۳۸۷-۳۸۴)

که این عقدگاهیست پرخوف و بیم  
که ذاتش مبرا ز چون و چراست  
به تفویض و تسلیم دادیم تن

**گفت‌وگوی شیخ با خود، به هنگام ترک میدان جنگ:**

که اسبش به رزم بلا خورد تیر  
سوی سینه چاه رستم شتافت  
ز کرده پشیمان و خوار و خجل  
ز کشته کنون بار برداشتم  
خود آخر در آن چاه ماند به بند  
زمانی بکشید با لاریان  
همی‌گفت و می‌رفت بر سوی کوه  
(بیت ۵۹۸-۵۹۲)

یکی شیخ مؤمن سوار دلیر  
اجازت ز خان جهاندار یافت  
همی‌رفت و می‌گفت با سوز دل  
من این تخم کین در جهان کاشتم  
هر آن‌کس به راه کسی چاه کند  
دوم از سواران جنگی جهان  
چو شد از دلیران لاری ستوه

**رجزخوانی بهادر خان و تحقیر رستم خان توسط او:**

همه لاریان را یل سیستان  
نه در رزمگه رستم سام اوست  
همی‌دیده لار و گراش و آوز  
که گیرند کوه گران را ز جای  
مگر بخت بد باشدش رهنمون  
دل شیر اگر بر دل او نهند  
در صلح کوبد نه پرخاش و کین  
(بیت ۴۱۶-۴۱۰)

بگفتا نمودید در این میان  
کشاورز رستم اگر نام اوست  
یکی روستابچه شوره‌پز  
ندیده است گردان رزم‌آزمای  
بدان کز گراش او نیاید برون  
گرش لشکر هفت کشور دهند  
نیاید، گر آید بدین سرزمین

**رجزخوانی رستم خان لار جهت تقویت روحیه سپاهیان:**

ز دشمن مدارید بر دل گمان  
گریزنده از ما بدان سو شدند  
که گشتند ترکان جنگی دو نیم  
که در رزم تنهاست خان سترگ  
(بیت ۵۸۵-۵۸۲)

به پاسخ چنین گفت رستم که هان  
هماناز پیکار خستو شدند  
بود نصرت از ما مدارید بیم  
بیارید حمله چو درنده گرگ

### صبغه ملی

این جنگ‌نامه داستان اختلافات خوانین منطقه‌ای بر سر پرداخت خراج و مالیات است و افراد مبارز هیچ‌گونه خواسته یا آرمان ملی را دنبال نمی‌کنند. همچنین سراینده که از ستایشگران بهادرخان، خان ترک‌نژاد قشقایی است، بخشی از شعر خویش را به زبان ترکی سروده است. بنابراین این منظومه هیچ‌گونه رنگ ملی ندارد و تنها یک سروده ایلی است.

### زمینه پهلوانی

در این منظومه بهادرخان قشقایی از ویژگی‌های پهلوانی همچون نژاده بودن و شجاعت و دلاوری بهره‌مند است، اما بر اساس توصیفات داستان خان گراشی نژاده و از خاندانی اصیل نیست. خارق‌العاده بودن و توانایی انجام امور فراطبیعی و دنبال نکردن خواسته‌ها و اهداف شخصی از ویژگی‌های پهلوانان است که هیچ یک از شخصیت‌های این داستان این صفات را ندارند. بنابراین نمی‌توان نام پهلوان بر آن‌ها نهاد.

## خرق عادت

همان‌طور که بیان شد شخصیت‌های این داستان قادر به انجام امور خارق‌العاده نیستند. همچنین هیچ اثری از موجودات یا شرایط خارق‌العاده نیست و تنها به روایت گفت‌وگوها و جنگ بین دو قوم می‌پردازد.

## ویژگی‌های سبکی

### الف) سطح زبانی

این منظومه به پیروی از شاهنامه در بحر متقارب است و گاهی برای درستی وزن شعر، خوانش اشعار باید با لهجه ترکی باشد و اگر با زبان معیار شعر را بخوانیم، بیت اشکال وزنی دارد. به عنوان نمونه:

چراغعلی بیک در آن دیار      تهی دست ماندست و حیران به کار  
(بیت ۵)

«چراغعلی بیک» در زبان معیار با سکون حرف «غ» خوانده می‌شود؛ اما در لهجه ترکی گاهی به صورت «چراغعلی - بیک» خوانده می‌شود.

ز فتحعلی‌خان بگویم خبر      از آن خان با دانش و هوش و فر  
(بیت ۲۹)

خوانش واژه «فتحعلی‌خان» در لهجه ترکی با خوانش آن در زبان معیار متفاوت است؛ این واژه در زبان ترکی به صورت «فتحعلی‌خان» خوانده می‌شود. این موارد تأثیر منظومه از شعر شفاهی است.

سراینده این منظومه علاوه بر وزن و قافیه، به اهمیت موسیقی درونی شعر نیز آگاه بوده و با بهره‌گیری از صنعت تکرار به صورت واج‌آرایی بر موسیقی و زیبایی شعر خود افزوده است. در این جا به چند نمونه اشاره می‌شود:

بگفتا نخستین نشاید ستیز      برآرد ستیز از جهان رستخیز  
(بیت ۴۹)

در این بیت حرف «س» و «ز» تکرار شده است.

سر نامه بر نام دانای راز      کز آن راز درب رحمت فراز  
(بیت ۱۰۹)

دهمین همایش ملی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی دی ۱۳۹۹

در این بیت نیز حرف «الف» تکرار شده است.

افزون بر موسیقی، تأثیرپذیری از شاهنامه در کاربرد واژگان و نحو کلام نیز نمود یافته و شاعر سعی داشته است در حد امکان از واژگان موجود در شاهنامه بهره بگیرد و از آنجا که موضوعش جنگ است، واژگان رزمی در آن غلبه دارد.

واژگان کهن به تقلید از شاهنامه در این منظومه نمود چشم‌گیری دارد. همچنین واژگان رزمی که برخی از آن‌ها نیز برگرفته از شاهنامه فردوسی‌اند در این منظومه با بسامد قابل توجهی مشاهده می‌شوند. در این جا به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود:

### واژگان کهن به پیروی از شاهنامه:

همه در پناه گراشی رویم  
(بیت ۱)

که ما اندرین بوم و بر نغومیم

پسندید از آن نامور گفت‌گوی  
(بیت ۱۰۰)

هنرمند و سالار و دیهیم جوی

جوابی مر آن نامه را ساختند  
(بیت ۱۰۸)

ز بیگانه مجلس پیرداختند

زمانه شود پر ز گندآوران  
(بیت ۳۵۴)

زلاری بیامد سپاهی گران

### واژگان محلی

شاعر از واژگان محلی اندکی بهره برده است. و سعی کرده است که زبانی فصیح و شیوا و البته بسیار نزدیک به زبان فردوسی داشته باشد.

شنیدم سواری فرستاده‌اید همه گاو و تخمش رها داده‌اید  
(بیت ۷۶)

رها دادن به معنای رها کردن است.

جو کیخای کاظم نبرده دلیر به روز نبرد همچو غرنده شیر  
(بیت ۵۲۵)

واژه «کیخا» که در منظومه‌های دیگر نیز به کرات دیده می‌شود به معنی «کدخدا» است.

### واژگان رزمی

نالد ز بن مطرب و ساز و چنگ خوشا ناله پیشتاب و تفنگ  
(بیت ۶۷۷)

یکی ابر برخاست از گرد و دود که باران او تیر و شمشیر بود  
(بیت ۶۷۴)

یکی شیخ مؤمن سوار دلیر که اسبش به رزم بلا خورد تیر  
(بیت ۶۹۰)

### ویژگی‌های نحوی

یکی از ویژگی‌های بارز دستوری این منظومه نیز چینش واژگان و ویژگی‌های نحوی به تقلید از شاهنامه و سبک خراسانی است؛ ویژگی‌هایی هم‌چون تقدیم فعل، کاربرد رای فک اضافه، کاربرد حروف اضافه به سبک و سیاق قرن چهارم و ..... در این جا به چند نمونه از این‌ها اشاره می‌شود:

#### تقدیم فعل بر دیگر اجزای جمله

بپردند اندر ارد شادکام تپیدند چون مور اندر کنام

دهمین همایش ملی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹  
www.anjomanfarsi.ir

بگفتا نخستین نشاید ستیز برآرد ستیز از جهان رستخیز

(بیت ۴۹)

#### کاربرد دو حرف اضافه برای یک متمم:

چو مضمون نامه به پایان رسید به مهر اندر آمد چنین چون سزید

(بیت ۹۰)

#### فک اضافه:

نگویم به گوهر برابر تو راست مرا هست فرزند و چاکر تو راست

(بیت ۷۳)

در مصراع اول حرف «را» پس از مضاف‌الیه آمده است؛ چراکه در سبک خراسانی «را فک اضافه» گاهی پس از مضاف‌الیه و بعضی اوقات میان مضاف و مضاف‌الیه می‌آید.

همه هرچه گفتی نباشد دروغ چنین بود شمعوفا را فروغ

(بیت ۱۱۶)

در مصراع دوم این بیت «را فک اضافه» میان مضاف و مضاف‌الیه آمده است.

#### ضمیر رقصان:

به‌گفتار او ساز مطلب ادا هرآنچه بگوید بکن اقتدا

(بیت ۱۰۴)



## ب) سطح ادبی

بررسی تشبیهات و استعارات در این اثر بیان‌گر این نکته است که شاعر به حماسی بودن تشبیهات و آوردن لغات حماسی هیچ توجهی نداشته است و همه تشبیهات و استعارات غنایی هستند.

### تشبیه

چنین بود شمعوفا را فروغ (بیت ۱۱۶)	همه هرچه گفتم نباشد دروغ
نه خورشید پیدا نه تابنده ماه (بیت ۲۹۱)	شبی تیره چون بخت لاری سیاه
چو چشم کواکب مرا دیده باز (بیت ۲۹۵)	خلاق دل‌آسوده در خواب ناز

### استعاره

به نوک قلم در و گوهر فشاند (بیت ۵۹)	دبیر خردمند را پیش خواند
بپوشید رخسار گیتی به قیر (بیت ۲۹۲)	یکی دود برخاست آفاق گیر
مگر زخم بر تن گشاید دهن (بیت ۵۸۳)	نخواهم که خندد گل اندر چمن

یکی دیگر از آرایه‌هایی که در این اثر به خوبی نمود یافته است، کنایه است. شاید این امر نتیجه محلی بودن شعر باشد؛ زیرا شاعران محلی اغلب به زبان گفتاری و به‌ویژه کنایه توجه دارند:

زبانست در طبع او گلشکر (بیت ۱۲)	کسی را که گرمی بود در جگر
ز ارباب لاری برآورد گنرد (بیت ۴۵)	ندانی که خان بهادر چه کرد؟
به دریا زدن خشت بی حاصل است (بیت ۴۶۴)	چو دیدند برجاده باطل است

[www.anjomanfarsi.ir](http://www.anjomanfarsi.ir)

### تلمیحات

شاعر این منظومه با اطلاعاتی که از داستان‌های دینی و شاهنامه فردوسی دارد، اشاراتی به این داستان‌ها دارد:

کشید از میان تیغ خونریز را (بیت ۳۷۶)	به زین اندرآورد شب‌دیز را
---	---------------------------

اسب یکی از پهلوانان را به شب‌دیز اسب کیخسرو تشبیه کرده

به باطل چرا رفت و حق را گذاشت دو گوشش مقامات موسی شنید دل و دیده‌اش سخت بی نور بود نمی‌دید انوار خیرالبشر کهنسال و آگاه بود و فقیه نه منکر به احکام عید غدیر چرا شد به غضب خلافت رضا که روباه دست غضنفر بیست چرا گوشه عزل کرد اختیار (بیت ۴۷۹-۴۷۰)	که فرعون دل و دیده و هوش داشت دو چشمش عصا و علامات دید نه بوجهل از مصطفی دور بود همی‌دید اعجاز شق‌القمر نُبد یارِ غارِ پیمبر سفیه نه مرتد به امر بشیر و نذیر نه در سینه‌اش کینه مرتضی ...یدالله فوق از چه شد زیر دست همین دست بود و همین ذوالفقار
---	---

## تلمیحات دینی

کشاورز رستم اگر نام اوست  
نه در رزم گه رستم سام اوست  
(بیت ۵۱۰)

به رستم پسر سام اشاره کرده

مرا با تهمتن تفاوت یکیست  
که من رستم لاری او زابلیست  
(بیت ۵۹۹)

با توجه به این که منظومه به تقلید از شاهنامه سروده شده است، یکی از آرایه‌های پرتکرار در آن، اغراق است:

ز گنجش بساط زمین در ستوه  
مگر در مقابل بسنجند کوه  
(بیت ۳۸)

درخشیدن تیغ و دود و تفنگ  
مگر خاست از صور محشر نفیر  
ز بس اسب غلطید بر روی مرد  
کسی می‌ندانست در گیر و دار  
ز جوش و خروش سواران جنگ  
کزان تنگ شد عرصه دار و گیر  
ز بس مرد شد زیر اسب نبرد  
کدام است اسب و کدامین سوار  
(بیت ۶۶۷-۶۷۰)

یکی ابر برخاست از گرد و دود  
از آن تیره شد چشمه آفتاب  
که باران او تیر و شمشیر بود  
بلرزید در دخمه افراسیاب  
(بیت ۶۷۵)

## تضمین

در منظومه اشعاری وجود دارد که مسقیم یا غیر مسقیم از شاهنامه یا اشعار سعدی گرفته شده اند که این نشان دهنده آشنایی عمیق شاعر با اشعار سرآمدان شعر فارسی است:

همانا چه خوش گفت دانای مه  
ستور لگدزن گرانبار به  
(بیت ۱۱)

تضمین از بوستان سعدی، باب دوم

ز بیگانه مجلس بپرداختند  
جوابی مگر آن نامه را ساختند  
(بیت ۱۰۸)

مصرع اول این بیت به تقلید از مصرع دوم بیت «چو با پهلوان کار بر ساختند / ز بیگانه خانه بپرداختند» در بخش «اندر ستایش سلطان محمود» از شاهنامه فردوسی است.

شبی تیره چون بخت لاری سیاه  
نه خورشید پیدا نه تابنده ماه  
(بیت ۲۹۱)

مصرع دوم این بیت به تقلید از مصرع «ستاره نه پیدا نه تابنده ماه» از شاهنامه فردوسی قسمت داستان کاموس کشانی است.

البته ناگفته نماند که این منظومه در ضمن نداشتن برخی از مؤلفه‌های حماسی و همچنین کاستی‌های ادبی، از حیث به‌کارگیری اصطلاحات و واژگان محلی و همچنین ثبت حوادث و رخداد‌های منطقه‌ای ارزش اجتماعی و تاریخی دارد و همچنین به سبب تقلید از سبک زبانی و ادبی شاهنامه، باعث زنده شدن شاهنامه در میان مردم این منطقه شده است. دارای ارزش فراوانی است. اهمیت کار مآذون زمانی روش ن تر می شود که به یاد آوریم که خود وی و ممدوح او ترک تبار هستند.

## نتیجه

در این پژوهش به بررسی جنگ‌نامه مآذون قشقای بی پرداخته شد. بررسی‌ها نشان می‌دهد، این جنگ‌نامه از جمله جنگ‌نامه‌های شفاهی در میان ایل قشقای است که به تقلید از شاهنامه سروده شده است و تعداد ابیات آن ضمن

افتادگی‌هایی که در آغاز، پایان و میانه دارد، هفتصد و یک بیت است. این منظومه روایتی تاریخی راز جنگ میان بهادرخان قشقایی و رستم خان گراشی را با توصیفات زیبا ارائه داده استو شاعر سعی داشته سبک زبانی، ادبی و ساختار و روایت آن به تقلید شاهنامه باشد؛ اما چون در برخی از ابیات زبان و لهجه ترکی دارد، برخی قافیه‌ها شفاهی است و گاه واژگان محلی در آن دیده می‌شود. همچنین باوجود اغراق‌های حماسی و همچنین تلمیحات و تضمین‌هایی از شاهنامه، تشبیهات و استعارات در این منظومه غنایی هستند. یکی از ویژگی‌های روایت در این منظومه نیز وجود ساقی‌نامه در آغاز توصیف جنگ است که آن از ویژگی‌های حمله‌نامه‌ها و برخی از نقالی‌هاست. این منظومه اگرچه به تقلید از شاهنامه و حماسه سروده شده است؛ اما همه مولفه‌های ژانر حماسه را دارا نیست و ویژگی‌های قهرمانی و صبغه ملی و خرق عادت در آن دیده نمی‌شود. بر این اساس نباید آنرا حماسه شمرد، بلکه باید آن را از منظر بیناگونه‌ای شبه‌گونه ادبی جنگ‌نامه دانست.

### منابع

- ابتهج حاجتی، محمدامین (۱۳۹۶) *جنگ‌نامه و جنگ‌نامه‌سرایی فارسی دری در افغانستان*، چاپ اول، بامیان: مرکز گفت‌مان سیاسی حزب وحدت اسلامی افغانستان.
- آیدنلو، سجاد (۱۳۸۸) *متون منظوم پهلوانی*، تهران، سمت.
- بجلی، عبدالله (۱۳۹۷) بررسی ویژگی‌های زبانی و ادبی جنگ‌نامه کشم و جرون‌نامه، بوشهر، دانشگاه خلیج فارس.
- جعفری قنواتی (۱۳۹۶) «جنگ‌نامه‌سرایی در ایران»، *ارج خرد: جشن‌نامه استاد جلال خالقی مطلق*، زمستان، تهران، نشر مروارید.
- جعفری قنواتی، محمد (۱۳۹۴) *درآمدی بر فولکلور ایران*، تهران، نشر جامی.
- جعفری قنواتی، محمد (۱۳۹۶) «جنگ‌نامه نه حماسه»؛ *ارج‌نامه ابوالقاسم اسماعیل‌پور «اسطوره‌بنیادها*، به کوشش محمد شگری فومنی با همکاری سمیرا نیک‌نوروز و میثم محمدی، تهران، نشر چشمه.
- جعفری قنواتی، محمد (۱۳۹۷) «شاهنامه‌خوانی»، *دانشنامه فرهنگ مردم ایران*، جلد پنجم، تهران، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- حیدری، محسن (۱۳۹۵) *بررسی ویژگی‌های حماسی جنگ‌نامه کشم و جرون‌نامه*، بوشهر، دانشگاه خلیج فارس.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۲) «انواع ادبی و شعر فارسی»، *رشد و آموزش ادب فارسی*، سال هشتم، شماره ۳۳-۳۲، صص ۹-۴.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۹۲) *حماسه‌سرایی در ایران*، چاپ دهم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- قشقایی، مأذون (۱۳۴۸) *کلیات اشعار ترکی مأذون قشقایی*، تصحیح شهباز شهبازی، بی‌جا.
- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۸۸) *رؤیا، حماسه، اسطوره*، چاپ پنجم، تهران، نشر مرکز.